گفت‌وگو

بازنویسی متون کهن بچه‌ها را با فرهنگ ایرانی آشتی می‌دهد

اهمیت بازنویسی متون کهن فارسی برای کودکان و نوجوانان در گفت‌وگو با لیلا خیامی

رضوانی| متون کهن فارسی سرشار از حکایت‌ها و قصه‌هایی است که نکات اخلاقی، تربیتی و اجتماعی را در قالب ماجراهایی جذاب و خواندنی ارائه می‌دهد. تشویق کودکان و نوجوانان به خواندن این آثار، علاوه بر اینکه پندهایی به آن‌ها منتقل می‌کند، می‌تواند مروج فرهنگ ایرانی-اسلامی نیز باشد. با این حال، داشتن زبان ثقیل و کلمات و عباراتی که امروز دیگر استفاده نمی‌شود و برای فهم برخی از آن‌ها باید به واژه‌نامه‌ها مراجعه کرد و همچنین داشتن لایه‌های متعدد که گاه درک منظور نویسنده و محتوای اصلی اثر را دشوار می‌کند، این متون را برای مخاطب امروز به‌ویژه کودکان و نوجوانان نیازمند بازنویسی و ساده‌سازی می‌کند. بدیهی است که وقتی قرار باشد مخاطبان چنین آثاری این رده‌های سنی پایین باشند، باید دست به گزینش زد و قطعاتی را انتخاب کرد که مناسب سن و دنیای آنان باشد. آنچه گذشت، ناظر به اهمیت بازنویسی متون کهن برای کودکان و نوجوانان است، اما اینکه چه متونی، با چه ویژگی‌هایی و چطور باید بازنویسی شوند، موضوعی است که در گفت‌وگو با لیلا خیامی، شاعر و نویسنده کودکان و نوجوانان، سعی کردیم به آن بپردازیم. او سال گذشته بازنویسی ادبیات کهن را در چند مجموعه «شاهنامه» فردوسی، «کلیله و دمنه»، «مثنوی معنوی»، «هزار و یک شب»، «بوستان» و «گلستان» سعدی و آثار نظامی و عطار انجام داده است. هر مجموعه شامل ۴۰ داستان می‌شود و در دست انتشار است.

● به نظر شما کدام متون کهن فارسی مناسب بازنویسی برای کودکان است و این آثار چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

وقتی بخواهیم به ادبیات کهن رجوع کنیم و برای کودکان آثاری بیافرینیم، به نظرم و با توجه به تجربه‌ای که در این زمینه داشته‌ام، اولین آثاری که خیلی راحت می‌شود به سراغشان رفت، «مثنوی معنوی» مولانا و «کلیله و دمنه» می‌توانند باشند. ویژگی خاصی که این ۲ اثر را آثاری خوب در زمینه بازنویسی برای بچه‌ها می‌سازد وجود شخصیت‌های حیوانی در داستان‌های آن‌هاست. همگی خوب می‌دانیم که کودکان عاشق حیوانات‌اند و خیلی راحت به سراغ آثاری می‌روند که شخصیت‌های حیوانی دارند. به همین علت، به نظر من، این ۲ اثر می‌توانند در مرحله اول انتخاب‌های خوبی باشند. البته وقتی حرف از مناسب بودن یا نبودن آثار برای کودکان به میان می‌آید باید گفت این نویسنده و بازنویس یا بازآفرین است که اثر را مناسب یا نامناسب می‌آفریند. آثار کلاسیک ما بالطبع برای کودکان نوشته نشده‌اند و نمی‌توان هیچ‌یک از آن‌ها را کاملا مطابق معیارهای ادبیات کودک دید. این وظیفه نویسنده است که بتواند با هوشیاری و توان بالای خود آثاری را از دل این متون بیرون بکشد و به شیوه‌ای هنرمندانه مناسب کودکان بازآفرینی کند، چنان‌که خیلی از آثار «مثنوی معنوی» یا «کلیله و دمنه» هم که از آن‌ها نام بردیم ممکن است برای بازنویسی محدودیت‌هایی ایجاد کنند. این هنر نویسنده است که انتخاب درستی از این آثار داشته باشد و آن‌ها را چنان‌که مناسب کودکان است دوباره بیافریند. نویسنده می‌تواند قبل از انتخاب آثار کهن فارسی برای بازنویسی، جست‌وجو کند و ببیند کدام آثار جذابیت بیشتری برای کودکان دارند، آثاری که شخصیت‌های مورد علاقه کودکان را دارا باشند، جذابیت و کشش مناسب را داشته باشند و کودک را وارد ماجراهای هیجان‌انگیز کنند یا آثاری که کمی با طنز همراه باشند و ... بی‌شک در عموم متون گذشته ما می‌توان داستان‌ها و حکایت‌هایی با این ویژگی‌ها یافت اما گلچین کردن و جمع‌آوری آن‌ها از دل آثار مهم است. نمی‌شود کتاب «مثنوی» را باز کنیم و از اولین داستان شروع به بازنویسی کنیم و هرچه در آن هست برای کودکان بنویسیم.

● اساسا چرا باید بازنویسی انجام شود؟

بازنویسی اهمیت زیادی دارد مخصوصا در جامعه امروز که کودکان بیش‌ازپیش از ادبیات کهن ما فاصله می‌گیرند و به دنبال فضاهای مجازی و شخصیت‌ها و بازی‌های عجیب و غریب و پر از هیجان بیگانه می‌روند و روزبه‌روز با فرهنگ و ملیت و قومیت خودشان بیگانه‌تر می‌شوند. بازنویسی‌ها می‌توانند کودکان را

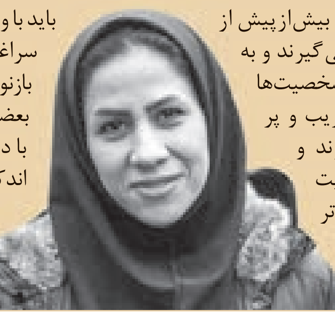

با فرهنگ و ادبیات کهن ما آشتی دهند، البته به شرطی که خوب و مناسب باشند. امروزه در بازار کتاب، بازنویسی‌ها و بازآفرینی‌های زیادی را می‌بینیم اما اگر به خیلی از این آثار با دیده نقد نگاهی بیندازیم، می‌بینیم آن‌چنان که باید و شاید مناسب کودکان امروز و هماهنگ با ذوق و سلیقه آن‌ها نیستند و صرفا یک ساده‌نویسی از اصل اثرند.

● نویسنده موقع بازنویسی چه چیزهایی را باید لحاظ کند و به چه نکاتی باید توجه داشته باشد؟

موقع بازنویسی یا بازآفرینی ادبیات کلاسیک باید حواسمان به خیلی چیزها باشد. باید اول داستان‌ها و اشعار مدنظر را از هر لحاظ بررسی کنیم. بعضی از اشعار و داستان‌های ادبیات کهن با وجود ارزشمند بودن برای کودکان مناسب نیستند چون به مضامینی پرداخته‌اند که از نظر اخلاقی مناسب کودکان نیستند یا مفاهیم عمیق فلسفی و عرفانی را بیان می‌کنند که فراتر از فهم کودکان‌اند یا اینکه به موضوعات خشن می‌پردازند که نمی‌توان آن‌ها را در دایره بازنویسی برای کودکان جای داد. پایان‌های بد و غمگین و مأیوس‌کننده برای کودکان یا مرگ شخصیت‌ها و از این قبیل مسائل نیز موضوعاتی هستند که باید با وسواس و هنرمندی بیشتری به سراغشان رفت. البته وقتی حرف از بازنویسی و بازآفرینی به میان بیاید، بعضی از این مشکلات را می‌توان با دست بردن در آثار و تغییراتی اندک و هنرمندانه رفع کرد. برخی متون کهن فوق‌العاده جذاب و خواندنی‌اند اما به علت همین سختی‌ها خیلی از نویسندگان به سمتشان نمی‌روند. به نظر من، بازنویسی و بازآفرینی‌های خوب و درست می‌توانند خیلی از این آثار را در گروه آثار مناسب برای کودکان قرار بدهند. درست است که با این کار ممکن است بخشی از این آثار تغییراتی بکند و به قولی تحریف یا سانسور شود اما اگر این‌گونه بتوان آثار ناب ادبیات کهن را در دسترس کودکان قرار داد تا حداقل بهره را از آن‌ها ببرند چه مشکلی می‌تواند داشته باشد؟

● همان‌طور که اشاره کردید، هنگام بازنویسی برخی ویژگی‌های سبکی و نثری نویسنده اثر کلاسیک از بین می‌رود. توجه به این امر تا چه حد برای بازنویسی اهمیت دارد؟ آیا می‌توان گفت در بازنویسی برای کودک و نوجوان محتوا بر ویژگی‌های سبکی و نثری ارجحیت دارد؟

بله، حتما در بازنویسی مخصوصا برای کودکان تغییراتی اساسی در ساختار متون بازنویسی‌شده در مقایسه با متن کهن مدنظر ایجاد می‌شود چون زبان و دنیای ادبیات کودک امروز خیلی با ادبیات بزرگ‌سال به‌ویژه متون کهن متفاوت است. نمی‌توان از نویسندگان کودک انتظار بازنویسی خوب داشت اما باید مصر بود که تغییری در اصل داستان‌ها ایجاد نشود. در متن بیشتر بازنویسی‌ها و بازآفرینی‌هایی که برای کودکان انجام می‌شود مخصوصا آن‌ها که چاشنی هنر و خلاقیت را هم به همراه دارند، بی‌شک تفاوت زیادی با اصل متون می‌بینیم، اما به نظر من، محتوا و درون‌مایه این آثار است که می‌تواند در این زمان و در این دوره از زندگی کودک برایش مفید فایده باشد و ساختار ظاهری این آثار چندان نزدیکی و مشابهتی با ادبیات کودک ما ندارد. ما باید هرچه می‌توانیم از دل این آثار بیرون بکشیم و مناسب کودکان و مطابق سلیقه آن‌ها بازآفرینی و بازنویسی کنیم. حتی اگر لازم دیدیم و ممکن بود چیزهایی از مظاهر دنیای امروز را به متن خود بیفزاییم تا این آثار را به ذوق و سلیقه و دنیای کودکانمان نزدیک‌تر کنیم. این اولین قدم است برای آشنایی کودکان با دنیای ادبیات کهن. خب طبیعتا اگر کودک به این آثار علاقه‌مند شود در سال‌های آینده که توانایی درک اصل متون را پیدا کند ناخودآگاه به سراغشان می‌رود و بی‌شک لذت صدچندانی از این آثار می‌برد اما الان که در دوره کودکی است و توان درک و پذیرش خیلی از آثار متون کهن را ندارد بهترین کار این است که به حداقل‌ها بسنده کنیم نه اینکه از ترس خدشه وارد شدن به اصل متون و به دلیل نامناسب تشخیص دادن این آثار برای کودکان، آن‌ها را از خواندن و آشنایی با این آثار محروم کنیم.

رویداد

شاعرانه‌های انقلابی از فراسوی مرزها

نخستین شب شعر بین‌المللی انقلاب اسلامی در فرهنگ‌سرای بهشت برگزار شد

گروه ادبیات و اندیشه| نخستین شب شعر بین‌المللی انقلاب اسلامی در کافه ادبیات مشهد واقع در فرهنگ‌سرای بهشت برگزار شد.

این برنامه شامگاه دوشنبه، ۲۱بهمن، در ادامه برنامه‌های کافه ادبیات مشهد با همکاری مجمع انجمن‌های ادبی خراسان رضوی و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مشهد برگزار شد و در آن، شاعران ایران و برخی کشورهای منطقه از جمله لبنان، آذربایجان، پاکستان، سوریه و افغانستان به شعرخوانی با موضوع انقلاب و مقاومت پرداختند.

● به دنبال میزبانی مشهد از گردشگران ادبی هستیم

در این برنامه، حمید عشقی، دبیر انجمن‌های ادبی استان، گفت: برگزاری این رویدادهای بزرگ ادبی باعث وحدت و همدلی صاحبان قلم و اندیشه منطقه خاورمیانه است. او با اشاره به حضور استادان دانشگاه در این شب شعر، پیوند عمیق دانشگاه و انجمن‌های ادبی را برای رشد و بالندگی هرچه بیشتر ادبیات خواستار شد تا آسمان درخشان شعر و ادب خراسان بیش‌ازپیش در منطقه و جهان پرچم‌دار فرهنگ و ادب باشد. عشقی یکی از اهداف مجموعه فرهنگ‌سرای بهشت و بخش کافه ادبیات آن را برپایی کانونی برای گردشگری ادبی کشور معرفی کرد و از میزبانی این مجموعه از شاعران و نویسندگان و ادیبان و گردشگران ادبی در آینده نزدیک خبر داد.

● مشهد در ادبیات کشور جریان‌ساز بوده است

در بخشی دیگر از برنامه، محمدجواد استادی، رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مشهد، با تأکید بر نقش زبان به عنوان کهن‌ترین الگوی ارتباطی توسعه‌یافته و در عین حال سرمشقی کارآمد و روزآمد در جوامع انسانی، یکی از قالب‌های مهم و اساسی آن را شعر دانست و گفت: من از شعر به عنوان رسانه یاد می‌کنم و معتقدم نباید آن را به قدرت و ویژگی‌های ادبی‌اش فروکاست. شعر رسانه‌ای قدرتمند بوده است و هست و امروز با همه محدودگری‌هایی که نسبت به آن وجود دارد، همچنان رسانه‌ای است فراگیر که با همه اقشار ارتباط برقرار می‌کند. او یکی از دلایل اهمیت شعر به‌ویژه در ایران و مشهد مقدس را مدنیت آن برشمرد و خاطرنشان کرد: تاریخ شعر مشهد نشان می‌دهد جلسات بسیار ارزشمندی در فضاهای مردمی این شهر شکل گرفته و در ادبیات کشور نیز جریان‌ساز بوده است.

● اشعاری فراملیتی در شب شعر انقلاب

در این شب شعر انقلاب اسلامی، عباس ثاقب و سید احمد حسینی (احمد شهریار) از کشور پاکستان، ابراهیم بابایف از جمهوری آذربایجان، سید محمد ترحینی از لبنان، محمدکاظم کاظمی و امان‌ا... میرزایی، شاعران مهاجر افغانستانی، محمدرضا دهقان از شهرستان کاشمر، عباس ساعی، محسن مصطفی‌زاده، سمانه سنگچولی، منیژه رضوان، مهدی خداپرست، بهاره تقی‌پور، فاطمه نوروزی و علی بحرینی از مشهد سروده‌های خود را برای حاضران خواندند. همچنین در پایان مراسم، از آهنگ «سردار دل‌ها» با شعری از موسی عصمتی، شاعر روشندل خراسانی، رونمایی شد.

کتابخوان

یک بار دیگر: قاسم هاشمی‌نژاد

۴ کتاب از نویسنده و عرفان‌پژوه فقید به‌تازگی بازچاپ شده است

خادم| «فیل در تاریکی»، نوشته قاسم هاشمی‌نژاد، پس از ۴۰ سال، چند ماه پیش بازچاپ شد و این خبری هیجان‌آور برای خوانندگان حرفه‌ای ادبیات داستانی ایران بود که می‌توانند این رمان پلیسی را -که از بهترین رمان‌های پلیسی ایران یا شاید دقیقا بهترینشان دانسته می‌شود- بخوانند یا بازخوانی کنند. این اواخر نیز ۴ کتاب دیگر از این نویسنده، شاعر، منتقد، مترجم، عرفان‌پژوه و روزنامه‌نگار فقید تجدید چاپ شده است که می‌تواند فرصتی فراهم آورد برای آنان که تاکنون نتوانسته‌اند نسخه‌هایی از این آثار را داشته باشند و مطالعه کنند. «بوته بر بوته»، «عشق گوش، عشق گوشوار»، «راه ننوشته» و «رساله در تعریف، تبیین و طبقه‌بندی قصه‌های عرفانی» ۴ اثری هستند که نشر هرمس آن‌ها را بازچاپ و با شمایلی شکیل راهی بازار کرده است. «بوته بر بوته» بخشی از فعالیت روزنامه‌نگارانه قاسم هاشمی‌نژاد را نشان می‌دهد و جعفر مدرس صادقی در بخشی از درآمد این کتاب در توضیح اثر نوشته است: «از ۴۴ مقاله‌ای که در این مجموعه فراهم آمده‌اند، ۳۷ مقاله در روزنامه آیندگان سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۱ به چاپ رسیده‌اند و ۴ مقاله در مجله فردوسی سال ۱۳۴۸. علاوه بر این مقاله‌ها، قاسم هاشمی‌نژاد نقد کتاب‌ها، نقد نمایش‌ها، معرفی‌ها، گزارش‌ها و مطالب دیگری هم، چه با اسم خودش چه با اسم‌های مستعاری از قبیل «کوهیار»، «کوهیار معاضد»، «زریر» و «اصلان»، در روزنامه آیندگان آن سال‌ها چاپ کرده است که در این مجموعه نیامده‌اند.» «عشق گوش، عشق گوشوار» نیز مقالاتی در حوزه عرفان است. از عنوان کتاب «رساله در تعریف، تبیین و طبقه‌بندی قصه‌های عرفانی» می‌شود فهمید درباره چیست. ناشر در این باره توضیح داده است: «هدف بنیادین این رساله طرح یک مطالعه مقدماتی درباره قصه‌های عرفانی است. بخش اول، در تعریف، کوششی است برای بازشناختن قصه‌های عرفانی، و یافتن تمایزات میان قصه‌های عرفانی و غیرعرفانی‌ها یا عرفانی‌نما. فروشکستن برخی بدفهمی‌ها و فرانمودن نمونه‌های راستین و مصداق‌های بارز هدف این بخش است. بخش دوم، در تبیین، به ۲ گوهر یکپاره و تفکیک‌ناپذیر ساختار و مضمون در قصه‌های عرفانی می‌پردازد. نظر مؤلفان قدمایی را دراین‌باره بازمی‌شکافد و به گرایش‌های تازه‌ای که در جامعه، به لحاظ متأثر شدن از فرهنگ نقد ادبی مغرب زمین پیدا شده است می‌پردازد. بخش سوم، در طبقه‌بندی، به مسئله مقوله‌بندی و تقسیمات قدمایی و زمینه اندیشگی چنین تقسیماتی اختصاص دارد. حرف سر این است که قصه‌های عرفانی، به رغم کوچکی ساختمان پیکره‌شان، داعیه بزرگ دارند: آن‌ها نمون و نمودی از کل بیکرانه‌ای هستند که به عنوان هستی می‌شناسیم.» همچنین «راه ننوشته» گفت‌وگوی علی‌اکبر شیروانی با قاسم هاشمی‌نژاد درباره کتاب‌هایش را در بر می‌گیرد و می‌تواند برای کسانی که می‌خواهند بیشتر با جهان این نویسنده عارف‌مسلک آشنا شوند جالب باشد.

زندگی با سینما

من سینما را دوست دارم؛ به همین دلیل از اسکار متنفرم

نگاهی به نودودومین مراسم اسکار

امید قهرمان*| نودودومین مراسم پرزرق‌وبرق اسکار هم مثل دوره‌های قبل، هرچند بدون مجری، با اعطای جوایزی به پایان رسید که مدت‌هاست دیگر محک معتبری در معرفی فیلم‌های ارزشمند و ماندگار به‌شمار نمی‌رود. در دو سه دهه اخیر شاهد بوده‌ایم که چگونه سلیقه و اعمال نفوذ لابی‌های سیاسی و چراغ سبز صاحب‌منصبان بانفوذ شرکت‌های امپراتوری عریض‌وطویل هالیوود، رنگ طلایی جوایز اسکار را کدر کرده و سینمای ناب را به حاشیه رانده است. اگر در روزگاری نه‌چندان دور «بردن یا نبردن»، دغدغه اصلی سینماگران و هنرمندان بود، امروز آن‌ها بی‌تاب «گفتن یا نگفتن» هستند. مراسم اسکار امروز صحنه بزرگی است که از تریبون آن، هنرمندان به‌جای یادآوری گذشته هنری خود و قدردانی از عواملی که آنان را در کسب چنین دستاوردی یاری کرده‌اند، خود را انگار برای آگاه کردن مردم از مصائب و مشکلات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و قومی که جامعه جهانی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، موظف می‌دانند. هنرمندان و سینماگران امروز انگار دیگر نقش و رسالت هنری خود را کافی نمی‌دانند و سعی می‌کنند با قرار گرفتن در جایگاهی سیاسی، تعهد اجتماعی خود را به جهانیان گوشزد کنند. باوجود اینکه در تاریخ هنر همیشه مفهوم «تعهد» (هنرمند یا هنر متعهد) با ذات حقیقی هنر در تعارض بوده است، همزیستی مسالمت‌آمیز این تفکر مارکسیستی در دل نظام سرمایه‌داری هالیوود، سؤال‌برانگیز است.

امروزه از پشت تریبون هالیوود که همیشه به نژادپرستی و مردسالاری متهم بوده است، از تعداد اندک فیلم‌سازان زن و نابرابر بودن دستمزد مردان و زنان بازیگر انتقاد می‌شود. از ظلم و جور به سیاه‌پوستان و از کم بودن کاندیداهای سیاه‌پوست انتقاد می‌شود. از سیاست‌های ضدمکزیکی ترامپ انتقاد می‌شود. از سیاست‌های جنگ‌طلبانه انتقاد می‌شود. از نابرابری حقوق همجنس‌گرایان انتقاد می‌شود. از فعالیت‌های ضدحقوق بشری انتقاد می‌شود. از حمایت از جانوران و گیاه‌خواری حمایت می‌شود و از همه‌چیز به‌جز روند ناامیدکننده سینمای امروز انتقاد می‌شود؛ به‌عنوان مثال هیلدور گونادوتیر، آهنگ‌ساز فیلم «جوکر»، جایزه‌اش را به دختران، زنان و مادرانی تقدیم می‌کند که موسیقی را درونشان حس می‌کنند؛ ناتالی پورتمن، لباسی بر تن کرده است که روی آن نام کارگردانان زنی که در مراسم امسال حضور ندارند، دوخته شده است و یواکیم فونیکس هم با اولین اسکاری که می‌گیرد، از حقوق اقلیت خاموش دفاع می‌کند. واقعیت این است که امروزه با تغییر رسالت اصیل آکادمی اسکار، سینما از قالبی هنری به ابزاری سیاسی بدل شده است.

حال در این ماراتن متشکل از بیانیه‌های سیاسی، فرش قرمز و لباس‌های گران‌قیمت، میهمانی‌های آخر شب و آشنایی‌ها و مصاحبه‌ها که از دور سحرآمیز و از نزدیک مأیوس‌کننده می‌نماید، برنده کیست؟ برنده واقعی کیست وقتی اسکورسیزی حماسه‌سرای «مرد ایرلندی»، تارانتینوی منتقد هالیوود در «روزی روزگاری هالیوود» و جیمز منگولد، داستان‌پرداز «فورد در برابر فراری»، در جمع بازندگان نشسته‌اند و جایزه نمی‌گیرند؟ اصلا معیار برنده‌شدن چیست وقتی فیلمی از سینمای آسیا (انگل) که از نیمه دوم به بعد خود را هجو می‌کند، جایزه بهترین فیلم را برای اولین بار در تاریخ اسکار از آن خود می‌کند؟ در ورزش، قوانین مکتوب و رأی داوران براساس آن قوانین عینی و ملموس، برنده و بازنده را مشخص می‌کند، اما چگونه می‌توان هنر سینما را که از شخصی‌ترین و ذهنی‌ترین دستاوردهای بشری است، درجه‌بندی کرد؟ طبیعی است که تفسیرها و آرا برحسب نوع نگاه ناظران متفاوت خواهد بود. فیلمی که شما را به وجد می‌آورد، ممکن است در دیگری هیچ حسی ایجاد نکند.

متأسفانه هنر سینما همان‌قدر که اثر یک فیلم‌ساز است، محصول مخاطب و بیننده هم به‌شمار می‌رود، کما اینکه نظام حاکم بر هالیوود و آکادمی اسکار هم بر نحوه نگرش و امتیاز دادن منتقدان، تأثیر چشمگیری می‌گذارد. هرازگاهی جایزه اسکار بر فیلم‌ها مُهر ماندگاری و جاودانگی می‌زند، اما در واقعیت همیشه معیار ارزش و فاخر بودن فیلم‌ها نبوده است. چارلی چاپلین، اورسن ولز، آلفرد هیچکاک، سیدنی لومت، رابرت آلتمن، سم پکین‌پا، استنلی کوبریک، ریدلی اسکات، مایکل مان، دیوید فینچر، تارانتینو و حتی کوروساوا و فلینی هیچ‌گاه اسکار نگرفتند.

زمان بهترین داور است و همیشه نشان داده است که کدام فیلم‌ها جاودانه خواهند شد و کدام فیلم‌ها در تندباد فراموشی از یاد خواهند رفت.

سینما را به خاطر بسپاریم، اسکار مردنی است.

*عضو هیئت‌علمی دانشگاه خیام

همراه با فجر ۹۸

دست خالی مشهد از تئاتر فجر

اختتامیه جشنواره تئاتر فجر درحالی به پایان رسید که تئاتر «ژنتیک» جایزه ویژه هیئت داوران را گرفت

سبزه‌قبا| جشنواره ملی تئاتر فجر که تئاتر شهرستان جایگاه مناسبی در آن دارد، همواره به فرصتی تبدیل می‌شود تا هنرمندان شهرستانی به چشم بیایند. تئاتری‌های مشهد نیز در ادوار مختلف این جشنواره، افتخارهای فراوانی آفریده‌اند.

اما گاهی تلاش‌های تئاتری‌های غیر پایتخت‌نشین آن‌طور که باید دیده نمی‌شود؛ مانند امسال که سی‌وهشتمین دوره جشنواره تئاتر فجر در تهران برگزار شد و بسیاری از جوایز اصلی آن به بازیگران مطرح و سرشناس سینما و تئاتر رسید.

عکس: مهر

● همه جایزه‌های مشهد

در شب بیست‌ویکم بهمن که سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، کمتر از یک ساعت در اختتامیه حضور داشت و سخنرانی هم نکرد، ۴ هنرمند مشهدی توانستند باعث شوند اسم تئاتر مشهد در اختتامیه جشنواره فجر برده شود.

در بخش کارگردانی، هیئت داوران تصمیم گرفت جایزه ویژه خود در این بخش را که شامل تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و جایزه نقدی است، به نمایش «ژنتیک» به کارگردانی مهسا غفوریان اهدا کند. جایزه غفوریان تنها جایزه‌ای است که درمیان بخش‌های اصلی این جشنواره قرار دارد.

۲ برگزیده دیگر مشهدی که نامشان در سالن اختتامیه جشنواره تئاتر فجر خوانده شد، مرجانه حسین‌پور و مهدیا مصباحی بودند که در بخش مسابقه و نمایشگاه پوستر و عکس سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر تقدیر شدند. هیئت داوران این بخش، مرجانه حسین‌پور را برای عکاسی از نمایش «آی‌راک» و مهدیا مصباحی را برای عکاسی از نمایش «عشق جلاد»، شایسته تقدیر دانستند. همچنین سجاد انتظاری، دیگر هنرمند مشهدی، به‌خاطر تولید تیزر تئاتر «خانواده محترم اردکانی»، شایسته تقدیر هیئت داوران بخش اقلام تبلیغاتی سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر شناخته شد. با روی صحنه رفتن این هنرمندان مشهدی، پرونده مشهدی‌های حاضر در جشنواره تئاتر فجر امسال بسته شد و هنرمندان تئاتر رفتند تا خود را برای این رویداد فرهنگی‌هنری در سال آینده آماده کنند.

● چهره‌های مشهور سینما روی صحنه تئاتر

در شب اختتامیه، آنچه از همه‌چیز بیشتر توجه‌ها را به خود جلب می‌کرد، حضور نوید محمدزاده، امیر جدیدی و علی شادمان درمیان نامزدهای دریافت جایزه بود که هیچ‌کدامشان دست خالی از این اختتامیه بیرون نرفتند. علی شادمان توانسته بود در بخش بازیگری مرد، لوح تقدیر و جایزه نقدی جشنواره را برای بازی در نمایش «شاه‌ماهی» به خود اختصاص دهد، او در سخنانش پس از دریافت جایزه گفت: این جایزه را به تمامی هم‌نسلان خودم تقدیم می‌کنم که در این روزها ناامید هستند. ایران وطن ماست و ما این سرزمین را می‌سازیم. در ادامه، امیر جدیدی هم تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و جایزه نقدی بهترین بازیگر مرد را برای بازی «شاه‌ماهی» دریافت کرد. نام جدیدی و شادمان به‌ترتیب برای بازی در «روز صفر» و «مردن در آب مطهر» درمیان نامزدهای بهترین نقش اصلی مرد سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر نیز به‌چشم می‌خورد. جایزه ویژه هیئت داوران در این بخش هم به نوید محمدزاده برای بازی در نمایش «بیگانه در خانه» رسید.

● جایزه‌ای مهم‌تر از ونیز

محمدزاده گفت: «نزدیک ۳۰ جایزه سینمایی دارم ولی خودم را بچه تئاتر می‌دانم. بعد از حدود ۱۷ سال کار، اولین جایزه‌ام را از جشنواره فجر دریافت می‌کنم. فکر می‌کنم مهم‌ترین جایزه‌ای که گرفتم، همین است، حتی برایم از جایزه ونیز مهم‌تر است.» او در ادامه به جریان آموزش در تئاتر اشاره و از استادانش قدردانی کرد: «من تئاتر را از آموزشگاهی در کرج، دانشگاه سوره، دانشگاه تهران، دانشگاه سینما و تئاتر، تالار استاد سمندریان و ناظرزاده و... یاد گرفتم و بسیار قدردان استادهایم هستم. هروقت جایزه سینمایی می‌گرفتم، می‌گفتم پسر تئاتر ایران هستم. ممنون که حرف من را تأیید کردید.»

● خاک صحنه

جایزه گرفتن هنرمندانی همچون محمدزاده، جدیدی و شادمان که چهره سینمایی آن‌ها بیشتر در ذهن مخاطبان است، نشان می‌دهد که بازیگران سینما هم به اهمیت و جایگاه نقش‌آفرینی روی صحنه تئاتر آگاه‌اند. آن‌ها با ابراز خوش‌حالی بی‌سابقه پس از دریافت جایزه تئاتر فجر، ثابت می‌کنند که خاک صحنه خوردن در تئاتر، بیشتر از هر چیزی برایشان اعتبار می‌آورد. شاید هم آن‌ها با فعالیت و تلاش بیش از پیش به‌دنبال این هستند که خود را به اصالتی در تئاتر برسانند و بازیگری در سینما را برای خود پایگاه کنند.

● درخشش نمایشی از خراسان‌جنوبی

سی‌وهشتمین جشنواره تئاتر فجر علاوه بر بخش صحنه‌ای در ۲بخش رادیو تئاتر و تئاتر خیابانی نیز برگزیدگان خود را شناخت که به‌دلیل محدودیت فضا به ذکر نام بهترین بازیگران و بهترین کارگردانی بسنده می‌کنیم. بر این اساس جایزه بهترین بازیگر زن در بخش رادیو تئاتر به ام‌البنین کوهستانی برای نمایش «گروهبان» از بیرجند رسید و بهرام سروری‌نژاد برای نمایش «رهایی از بند»، جایزه بهترین بازیگر مرد را دریافت کرد. جایزه نمایشنامه‌نویسی در این بخش نیز سهم سمیه محسنی‌نیک برای نمایش «گروهبان» شد. همچنین جایزه کارگردانی به‌طور مشترک به حمیدرضا سلحشور برای نمایش «گروهبان» و داریوش شهبازی برای نمایش «کسوف» رسید. در بخش مسابقه تئاتر خیابانی نیز سامان شکیبا برای نمایش‌های «سیرک» و «میمون‌کشی» و مرجان آقانوری برای نمایش «میمون‌کشی» به ترتیب جایزه‌های بهترین بازیگری مرد و بهترین بازیگری زن را از آن خود کردند. جایزه کارگردانی این بخش نیز به سمیه مهری برای نمایش «سیرک» اهدا شد.

یادداشت

سال‌های عبور از مدیریت

۳۸سال تئاتر فجر؛ از اوج تا فرود! از «خانات» تا «ژنتیک»!

سید جواد اشکذری| **یکم:** از اولین دوره جشنواره تئاتر فجر که سال ۱۳۶۱ در تهران برگزار شد، تاکنون ۳۸سال می‌گذرد. از همان سال اول که فقط ۳۸اثر در این رویداد حضور داشتند، فقط نام چند شهر به چشم می‌خورد که به‌طورحتم نام مشهد در کنار تهران، نوید سال‌های درخشش و افتخارآفرینی برای هنرمندان تئاتر شهرمان می‌داد. در آن سال که جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران به نیمه رسیده بود و برخی هم حوصله کار نداشتند یا در جنگ بودند و صاحب‌نظران آن زمان را دوران رکود تئاتر مشهد نام‌گذاری کرده بودند، تئاترهای «خانات» به کارگردانی رضا صابری، «شکست‌خورده‌ها» اثر محمد الهی و «وارثان زمین» ساخته محمد ملتجی از مشهد در لابه‌لای جدول آثار پایتخت‌نشینان از مشهد چشم‌نوازی می‌کرد. در نخستین سال برگزاری جشنواره تئاتر فجر، قرعه اول به‌نام مشهد افتاد و تئاتر این شهر سرزبان‌های تئاتر کشور قرار گرفت و «خانات» توانست در جنگ نابرابر با تهرانی‌ها بدرخشد. در آن سال «خانات» عنوان بهترین نویسندگی و کارگردانی را از آن خود کرد و علی آزادنیا، بازیگر نمایش «خانات»، به‌عنوان بهترین بازیگر دوم مرد انتخاب شد و جایزه ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بنیاد شهید را از آن خود کرد.

حالا نگاهمان را از اولین نمایش فجر یعنی «خانات» برمی‌داریم. ۳۷سال رگباری به سمت جلو حرکت می‌کنیم و پشت دیوار سال ۹۷ و دوره سی‌وهفتم می‌ایستیم و به «دریاچه قو»، «باغ خونی»، «ما داریم از این خونه می‌ریم»، «سردسیر»، «رومئو و ژولیت» و «ما و دیگران» و به شب رؤیایی تئاتر مشهد و کلی افتخارآفرینی می‌رسیم؛ به اعلام ۱۸نامزد و کسب ۱۲جایزه در بخش‌های بازیگری، نمایشنامه‌نویسی، کارگردانی، گریم، طراحی صحنه، طراحی صدا، موسیقی، طراحی حرکت، طراحی آرایه‌های صوتی و طراحی نور، اما امسال سهم تئاتر مشهد از فجر یک جایزه ویژه بود و یک تقدیر و چند نامزدی در چند بخش. و تنهایک جایزه سهم تئاتر مشهد است از رویداد بزرگ تئاتر کشور و البته کلاهی که روی هواست، معلوم نیست مال کدام مدیر است که به بالا انداخته است! امسال با اعلام حاضرنشدن ۴نمایش که هیچ‌کدام در بخش مسابقه نبودند -و حضورشان هیچ تأثیری در درخشش هنرمندان هم نمی‌گذاشت- «ژنتیک» به کارگردانی مهسا غفوریان بعد از اجراهای موفق عمومی خود خیلی راحت و بی‌حاشیه در جشنواره تئاتر استانی شرکت و به فجر راه پیدا کرد و جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره فجر را گرفت. به‌طورحتم حضور و درخشش تک‌ستاره ۹۸ زیاد به مدیریت فرهنگی استان ارتباطی ندارد، چون «ژنتیک» قبل از حضور در جشنواره تئاتر فجر در یک سالن خصوصی با هزینه غیرحمایتی اجراهای عمومی خود را گذراند و از طرف دیگر او مزد تلاش‌های مستمر خود در جشنواره تئاتر فجر در سال‌های اخیر را گرفت.

حضور و درخشش پر تعداد تئاتری‌های مشهد در جشنواره فجر از سال ۹۴ با «رونق اقتصاد تئاتر و اقبال تماشاگران مشهدی به تئاتر»، «تغییر سیاست از جشنواره به سمت اجراهای عمومی»، «بها به تئاتر خصوصی»، «اعتباربخشی به تئاتر جشنواره تئاتر استانی»، «حمایت از تئاتر شهرستان»، «استقلال و قدرت گرفتن انجمن هنرهای نمایشی استان» و... شروع شد. به‌نوعی در یک نگاه می‌توان بیان کرد که سال ۹۶ از لحاظ تعداد نمایش‌های تئاتر مشهد در جشنواره تئاتر فجر (با ۹ اثر) سال بی‌مانندی بوده و سال ۹۷ از لحاظ درخشش و افتخارآفرینی، سال ماندگاری بوده است و البته سال ۹۸ هیچ جایگاهی در روند روبه‌رشد تئاتر شهرمان نداشته است. چرا؟

دوم: جوابی که با سؤال‌اتمان به این «چرا؟!» خواهیم داد. آیا کسب یک جایزه (در بخش اجرای تئاتر) در جشنواره فجر، درخششی برای تئاتر مشهد محسوب می‌شود؟ آیا واقعا امسال سهم تئاتر مشهد از فجر یک جایزه ویژه بود؟ آیا حقانیت تئاتر مشهد به‌عنوان قطب دوم تئاتر کشور در همین حد است؟ آیا هنرمندان کم‌کاری کرده‌اند؟ آیا هنر آن‌ها افت کرده است؟ یا مدیران تلاش‌هایشان بی‌ثمر بوده است؟ چرا مدیرانی که سال گذشته با افتخارآفرینان تئاتر مشهد عکس یادگاری می‌گرفتند، قاب امسالشان از عکس یادگاری خالی است؟ چرا آن‌هایی که مهر خودشان را پای سند درخشش هنرمندان تئاتر مشهد می‌زدند، حالا سکوت کرده‌اند؟ چرا آن‌هایی که بیانیه و تبریک در سال قبل فرستادند، امسال در بیانیه‌ای علت رخوت در تئاتر مشهد را اعلام نمی‌کنند؟ چرا مسئولیت افت تئاتر مشهد را در این رویداد برعهده نمی‌گیرند؟ آیا این نتیجه ضعیف‌کردن انجمن نیست؟ واقعا تا حالا در تئاتر، نگاه مدیران هنری و تئاتری در تصمیم‌گیری‌ها همراه با سیاست یا سیاسی نبوده است؟ فکر کردیم با این روند و با این مدیران، سالی خواهد رسید که آلبوم عکس‌های یادگاری مدیران در فجر خالی خواهد ماند و تبریکات برای همیشه متوقف خواهد شد؟ آیا دلمان را به یک جایزه مشهد خوش کردیم؟ چرا مدیران هنری واکنشی در برابر حضور هنرمندان تئاتر مشهد در پایتخت -که این چند سال خیلی زیاد هم شده است- ندارند؟ چرا بازیگران تئاتر مشهد که سال‌ها در شهرشان ستاره بودند، حالا باید به بازی در یک پلان برخی از فیلم‌های سینمایی تن بدهند؟ چرا این حرف‌ها به کسی برنمی‌خورد؟ چرا مدیران فرهنگ و هنر ما این‌قدر خسته‌اند؟ چرا حال برگزاری چند نشست آسیب‌شناسی در این رابطه را ندارند؟ حضور و درخشش هنرمندان تئاتر مشهد در این جشنواره چقدر برایشان اهمیت دارد؟ آیا ردیف بودجه حمایتی برایش تعیین کرده‌اند؟

... و چراها و اما‌واگرهای بسیاری که قبل از اینکه ما بپرسیم، مدیران فرهنگ و ارشاد اسلامی استان جوابش را به خوبی می‌دانند و فقط باید منتظر باشیم این سال‌های عبور بگذرد؛ عبور از مدیریتی که وجود ندارد.

صاحب خبر

اعضای هیئت انتخاب جشنواره هنرهای نمایشی «خانه بهار۹۹» معرفی شدند

گروه هنر| هیئت انتخاب آثار بخش هنرهای نمایشی سومین جشنواره هنرهای شهری مشهد انتخاب و معرفی شدند. براین اساس «علی عابدی»، «علی حاتمی‌نژاد» و «عبدا... برجسته»، از هنرمندان تئاتر کشور، به‌عنوان هیئت بازبینی بخش هنرهای نمایشی این جشنواره انتخاب شدند. بنا بر این گزارش، هیئت انتخاب ۱۰۰اثر نهایی رسیده به دبیرخانه جشنواره را در بخش‌های خیابانی، صحنه‌ای و کودک و نوجوان، بررسی و ارزیابی خواهند کرد. آثار منتخب از سوم تا دوازدهم فروردین ۱۳۹۹ در شهر مشهد اجرا خواهد شد.

تماشاخانه

«چنین کنند بزرگان» با آثاری از ۲هنرمند مشهدی در تهران برپا می‌شود

نمایشگاه گروهی کارتون و کاریکاتور «چنین کنند بزرگان» براساس کتابی به همین نام، به مناسبت بزرگداشت و تجلیل از نجف دریابندری، نویسنده و مترجم معاصر، در نگارخانه شمیس پایتخت برگزار می‌شود.

در این نمایشگاه آثار محمود آزادنیا و علیرضا پاکدل، ۲ هنرمند مشهدی، درکنار آثاری از محمد افلاک، جواد تکجو، سامان ترابی، مجتبی حیدرپناه، محمدرضا ثقفی، آرش فروغی، مهدی عزیزی و مهناز یزدانی به نمایش گذاشته می‌شود. در توضیح این نمایشگاه که از کتاب «چنین کنند بزرگان» اثر ویل کاپی و ترجمه نجف دریابندری انتخاب شده، آمده است: «زبان طنز را نمی‌شود گرفتار قانون و قاعده کرد؛ چون در سایه شکستن قاعده‌هاست که شکل می‌گیرد و آفریده می‌شود.

هر اثر یک کشف است؛ کشف یک تضاد در محیط درون یا پیرامون هنرمند که به زبان و تصویر درمی‌آید و قالب آن را به خود می‌گیرد.» «چنین کنند بزرگان» از ۲۵بهمن تا ۸اسفند، هر روز از ساعت ۱۶ تا ۲۰ پذیرای بازدیدکنندگان است.

کارتون شهر

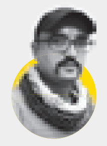

علیرضا پاکدل

درحاشیه افزایش افسارگسیخته قیمت خودرو

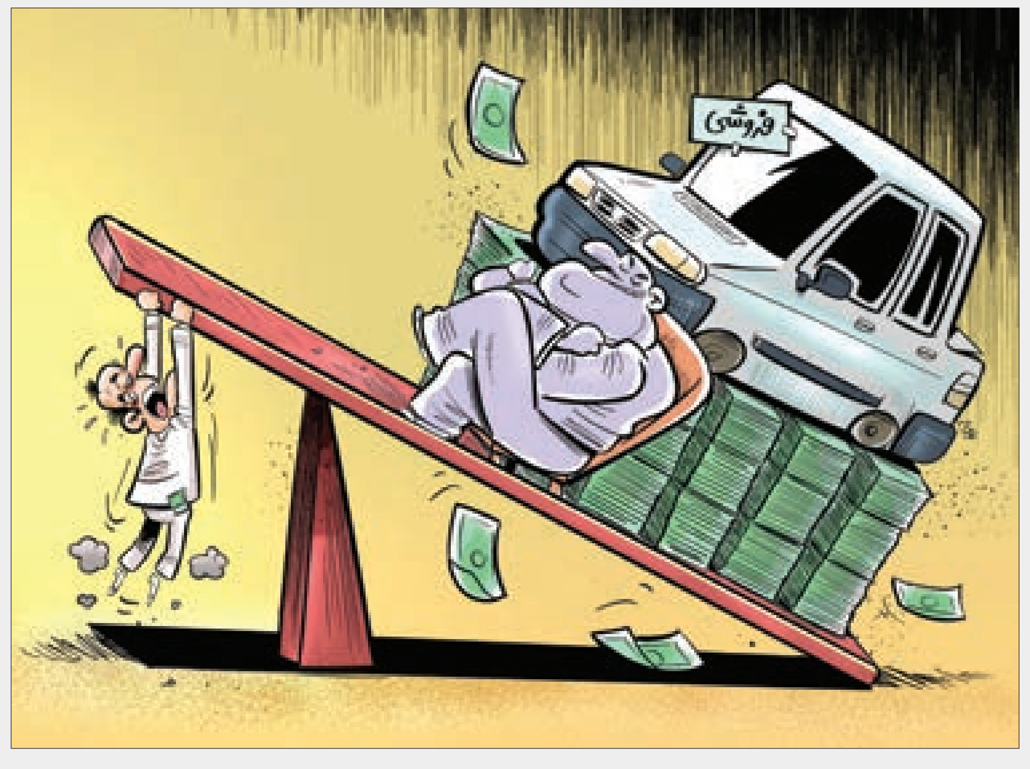

مخاطبان گرامی، به‌دلیل انتشار ویژه‌نامه سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر و تغییراتی که به واسطه آن در صفحه روز نو به وجود می‌آید، تا تاریخ ۲۳ بهمن ماه ستون «کارتون‌شهر» در این صفحه پذیرای چشم‌های شماست.